



احسان عباسلو به مناسبت
سالروز درگذشت جلال آل احمد

جلال در اولین خطوط،
خواننده را اسیر
نثر خود می کند



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری وصف صبا
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی
دبیر تحریریه: امیر افشار فتوحی

www.rooznamehsaba.com
rooznamehsaba

تهران - خیابان آیت الله مدنی - کوچه خجسته منش - پلاک ۵
تلفن: ۶-۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
توزیع: نشر گستر امروز

منبعی برای سوژه‌ها و نیز برای شخصیت‌ها در تمام نوشته‌هایش قابل جست‌وجوست. از همین روست که مخاطب او نه با شخصیت‌ها غریبه است و نه موضوع برایش غیر قابل فهم جلوه می کند. علاوه بر اینها، حضور خود جلال به عنوان راوی همواره در نوشته‌هایش محسوس است. در بسیاری مواقع شاهد فریاد کشیدن اندیشه‌های او از زبان یکی از شخصیت‌های خودش و به‌ویژه راویان داستان‌هایش هستیم. درمندی شخصیت‌های اصلی از خصیصه‌های بارز داستان‌های اوست؛ شخصیت‌هایی که در نهاد خویش ضرورت اصلاح اجتماعی را کاملاً حس می کنند و خواهان اند اما هرگز قادر به انجام آن نبوده و اراده به تحقق آن را در خود مرده می بینند. «مدیر مدرسه» نمونه‌ای مثال‌زدنی از چنین شخصیت‌هایی است. در کنار اینان، زنانی که قربانی عرف‌های روز جامعه خودشان هستند و معمولاً محکوم به قدرت‌های مردانه به نظر می رسند به نوشته‌های جلال رنگی عدالت‌خواهانه می دهند. جلال هرگز فمینیست نبود بلکه عدالت اجتماعی حاصل از آگاهی را خواهان بود.

کدام داستان جلال را دارای جذابیت هنری بیشتری می‌دانید؟

مدیر مدرسه که به عنوان رمان معرفی می شود اما به واقع یک داستان نیمه بلند است را شاید بتوان بهترین اثر او دانست. این داستان دارای جذابیت‌های ادبی خاص خود است چرا که سیری کاملاً داستانی در ایجاد پیرنگ و نیز شخصیت‌پردازی دارد. داستان با تمرکز بر شخصیت آغاز می شود و با همان شخصیت نیز به پایان می رسد. در این اثر، تمام ابعاد وجودی خود جلال را می توان شناسایی کرد، انسانی فرهنگی با دغدغه‌های اجتماعی که تنها راه رهایی مردم از بدبختی را تغییر فرهنگ آموزش و تربیت این مرز و بوم می داند اما از آنجا که فرهنگ این مردم ریشه در بسترهای متعددی از اقتصاد و سیاست گرفته تا خانواده و نگاه‌های سنتی دارد تحقق آن را میسر نمی یابد و ناگزیر به عذاب کشیدن در این هول است. به زعمی شاید نه بچه‌ها که این بزرگ‌ترها هستند که نیاز به آموزش و تعلیم و تربیت دارند. چه بسا که این مدیر مدرسه کسی جز خود جلال نباشد. آل احمد در جایی این اثر را حاصل اندیشه‌های شخصی خودش در باب فرهنگ می داند. اینبا

و بازدید که سال ۱۳۲۴ به نگارش درآمده است. پس سر آغاز کار او با داستان بوده و این آگاهی و دانش را در مورد جنبه‌های فنی قضیه حتماً در خود می دیده است. همچنین او ترجمه‌های ادبی نیز داشت و تأثیر این ترجمه‌ها بر قلمش می توانست مورد ارزیابی قرار بگیرد؛ تأثیراتی که حتماً او را با تکنیک‌ها و شوگردهای داستان نویسی آشنا کرده است؛ گرچه آل احمد همواره خودش بوده و نمی شود او و نثرش را کپی دانست. آشنایی او با ادبیات غرب نمی توانسته وی را از تکنیک‌های ادبی به دور ببرد اما مخاطب جلال مخاطبی نیست که تکنیک ادبی را بفهمد و جریان سیال ذهن یا تکنیک‌های دیگر روانشناختی را بشناسد. جلال می خواست برای مردم و مخاطب عام حرف بزند و واقعی حرف می زند و به دور از تکنیک‌های سختی که فقط مخاطب تخصصی را خواهد جذب کند. او تأثیر کلامش را مهمتر از شکل کلامش می دانست چرا که به هدفمندی ادبیات و کارکرد آن باور بیشتری داشت تا جنبه‌های زیباشناختی فرمی؛ دغدغه اصلی جلال ادبیات نبود بلکه جامعه بود و ادبیات تنها ابزاری برای رشد و اصلاح جامعه محسوب می شد. ادبیات قرار بود با نشان دادن و نقد وضع موجود به مخاطب وضع موعود را شاید خاطر نشان کند. با وجود همه اینها، شیوه‌های شخصیت‌پردازی وی، گشایش‌های داستانی‌اش، زبان صادقی که برای روایت انتخاب می کرد و حتی نوع نگاهش به موضوعات و انتخاب راوی مناسب برای پرداخت به آنها حکایت از دانش و مهارت جلال در عرصه داستان نویسی دارند.

ویژگی‌های مشترک در شیوه نگارش داستان‌های جلال چیست؟

جلال اگرچه توجه بیشتری به مضمون خود داشت اما گشایش‌های داستان‌های او از بهترین قسمت‌های داستان‌هایش هستند و این از بارزترین ویژگی‌های مشترک نگارش اوست. جلال خوب می دانست چگونه در همان خطوط اولیه نوشته‌هایش خواننده را اسیر نثر خود کند. تعلیق و ایجاد گره در همان خطوط ابتدایی از تکنیک‌های خوب نگارشی او بود. باورپذیر ساختن داستان، هم به واسطه شخصیت‌های مردمی و نیز به واسطه زبان خاص خودش که تناسبی میان زبان شخصیت‌ها و ویژگی خاصشان ایجاد می کند از دیگر نکات مشترک در نوشته‌های جلال هستند. استفاده از تجربه زیستی به عنوان

روز گذشته، ۱۸ شهریور فرارسیدن سالروز درگذشت جلال بهانه‌ای شد تا در گفت‌وگو با احسان عباسلو، منتقد ادبی و نویسنده به تحلیل و بررسی عناصر فنی داستان نویسی و جذابیت‌های هنری آثار جلال بپردازیم که در ادامه می خوانید:

جلال آل احمد در داستان‌های خود اغلب به چه موضوعاتی می‌پرداخت؟

جلال سه بعد شخصیتی بارز در داستان‌های خود دارد که یکی بعد سیاسی و دیگری بعد فلسفی و سومی نیز بعد اجتماعی است. به واسطه هر یک از اینها وی موضوعاتی را مورد توجه قرار می داده که البته گاه دو و گاه هر سه را می شود در یک اثر از وی رصد کرد. معمولاً نگاه اجتماعی عمدتاً با نگاه سیاسی پیوند می خورد چرا که نقد اجتماعی همواره برشی هم به سمت و سوی سیاست می زند. پس هر از گاهی که جلال جامعه خود را با رویکردی جامعه‌شناختی از تیغ نقد می گذراند، چه بسا که سیاست‌های روز کشور و سیاست‌های روز مملکت را هم مورد نقد قرار می داد. جامعه و حضور پررنگ آن در داستان‌های جلال از موضوعات همیشگی وی بوده‌اند و اصولاً داستان‌های جلال بدون مردمان جامعه به شکل نمی رسند. هر داستان مینیاتوری از جامعه خود است و بر این مبنا، آینه‌واره‌گی شاید صفتی پسندیده برای داستان‌های جلال باشد. آثار او آینه جامعه روز خودش با همان زشتی‌ها و زیبایی‌ها هستند و اینکه نوشته‌های وی را در زمره رئالیسم اجتماعی دسته‌بندی می کنند از همین روست. همچنین آموزش و سواد از دغدغه‌های بسیار مهم در نوشته‌های جلال است. آنچه جامعه را تحلیل می برد و آزار می دهد بی سوادی مردم است و این مهم‌ترین دستمایه و موضوع برای انسان دغدغه‌مند و نویسنده اندیشه‌ورزی مانند جلال بوده است.

جلال تا چه اندازه به عناصر فنی داستان نویسی و شوگردهای زیبایی‌شناختی ادبی مسلط بود؟

فراموش نکنیم که جلال دانش آموخته رشته ادبیات فارسی بود و نمی توان گفت خام‌دستانه به سوی قلم اراده کرده است، اما می توان ادعا کرد، هرگز اندیشه خود را فدای اصول نگارش نکرده است. از سویی اولین اثر رسمی او نیز یک مجموعه داستان است یعنی دید



کارگردانان: مسعود آریز، رامین عباسی زاده
تهیه‌کننده: رامین عباسی زاده

برای تماشای آنلاین می‌توانید به سامانه تلویزیون مراجعه کنید
شنبه تا چهارشنبه ساعت ۲۰:۳۰ شبکه سه سیما.